

دفتر دل نسیم بهار

«خانواده» یک بوستان و مزرعه است.

«پدر و مادر» باغبان و گل کارند.

«فرزندان» هم شکوفه‌های این باغ و میوه‌های این بوستان و مزرعه‌اند.

اگر به کودکان «آب عاطفه» نرسد، افسرده می‌شوند و اگر سایه پر مهر پدر و مادر بر سر کودکان نباشد، گرمای سوزان شعله‌های هستی‌سوز، برگ و بار این مزرعه را می‌سوزاند.

اگر دل و فکر نوجوانان از معرفت و محبت سرشار نشود، هرگز در «باغ زندگی»، این نونهالان به بار نمی‌نشینند و ثمر نمی‌دهند. «تغذیه روحی» فرزندان به مراتب، لازم‌تر و مهم‌تر از تأمین نیاز جسم و مواد لازم برای بدن آن‌هاست.

خانه یک گل‌خانه و والدین باغبان‌اند و پرورش دهنده گل.

وقتی نگاه پر مهر پدر به چشم فرزند دوخته می‌شود، وقتی دست‌نوازشگر مادر، گیسوان دختر را لمس می‌کند، وقتی «عاطفه» بستری برای «استراحت» کودکان می‌گردد، وقتی حوصله و عنایت و توجه، فضای رشد و شکوفایی فکر و درک و آموزش بچه‌ها را در خانه تأمین می‌کند، می‌توان به طراوت این باغ و شادابی گل‌های خانه امید بست.

اما اگر باد خزان بوزد چه؟ اگر بی‌توجهی، بچه‌ها را دچار کمبود سازد؟ اگر کمبود محبت، آنان را عقده‌ای بار آورد؟ اگر کودکان در حسرت شنیدن حرف‌های محبت‌آمیز و توجه به شخصیت آنان از سوی بزرگ‌ترها، دوران کودکی را به جدایی برسانند و بعدها خود اینان پدر و مادر خانه‌ای شوند، آنگاه چه؟ راستی... راز فرار برخی از بچه‌ها از محیط خانه

یا حداقل، دل‌بسته نبودن به این کانون چیست؟ و چرا گاهی خانه برایشان هم چون قفس است و بیرون از خانه خود را «آزاد» حس می‌کنند؟! تا پدر و مادر ندانند که در نقش یک باغبان‌اند، بلکه بالاتر، میوه‌های دلشان در باغ زندگی به ثمر نمی‌رسد.

میوه کال و ترش و کرم خورده و آفت زده هم که مطلوب هیچ باغبانی نیست. تلخ‌ترین لحظه برای والدین، وقتی است که متوجه یک ناهنجاری در فکر و رفتار کودکان‌شان می‌شوند و یک «رذیله اخلاقی» و عادت بد و انحراف را در آنان مشاهده می‌کنند.

این آفت، از کجا به این میوه رخنه کرده است؟ چه کسی کوتاهی کرده؟ غصه‌هایش، بی‌شک، سهم پدر و مادر است. شاید قصور و کوتاهی‌ها هم از سوی همان‌ها بوده است.

کسی که به فکر «سلامت فکری» و تربیت اخلاقی و معنوی فرزندانش نباشد، برای آنان هیچ کاری نکرده است، هرچند قیمتی‌ترین اسباب‌بازی‌ها و وسایل سرگرمی و بهترین غذاها و شیک‌ترین لباس‌ها را هم برای آن‌ها خریده باشد. این‌ها همه در حکم «حصار باغ است» و «فضای گل‌خانه».

اگر آن‌جا آب و نور و حرارت و مراقبت و رسیدگی و آفت‌زدایی نقش عمده دارد، در این‌جا هم «ارشاد فکری» و «تربیت روحی» و «تغذیه معنوی» نقش عمده و اصلی را دارد.

نگذاریم «بوستان با طراوت» در برابر بی‌توجهی ما به «باغ خزان زده» تبدیل شود. تا می‌توانیم «نسیم بهار» باشیم، نه باد خزان. (برگرفته از: جواد محذئی، چشم‌دل)